

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن آلمان
۲۹ فبرور ۲۰۰۸

مکاره دهن پاره

قوچ جنگی ای هوس کرد ، که قیصر گردد
عالم و عالمه یی ، باور و اندیشه یی ما
چرد از غرب ، به شرق و گهی از شرق به غرب
تا که افتاد به دام ، هوس شیطانی
ظاهر پرده "تی وی" جهان نیست ، به مکر
چهره نحس و را ، دیدم و ، گفتم عجباً
وای کلمرغ فنا ، حافظ سیمرغ بقا
شاخ بشکسته او ، تیز ز سوهان عرب
پیش ما بسته سر و کله و ، در نزد خدا
مهر تکفیر به کف ، تا پئه تنصیر به دست
کفنی بر سر خود بسته شروع کرد ، به کار
ابتدا در پی تحقیر حریفان شدی ، تا
گفت ! جز باور ما ، باور دیگر هارا
با مسیحی و بهایی و کمونست و یهود
حال ، باید دهن پاره آن مکاره

امپراتوری یی ، ایجاد و ، سکندر گردد
ناطق و ناطقه و ، فارغ همسر گردد
دشمن رمه و ، چوپان و ، پیمبر گردد
پیر شیطان شد و ، میخواست ، جوا نتر گردد
ز ره دین آگرش ، بر همه ، رهبر گردد
کرگس لعنتی ی ، سوار خر نر گردد
وارث خطبه ، به محراب و به منبر گردد
تا که بر جنگ عجم رفته و اژدر گردد
گردنش بسته سردار ، مکرر گردد
طعنه بر مذهب و دین و ، همه باور گردد
گفت ! یارب مددی ، کیسه پُر از زر گردد
تهمت گُفر ، ز هر اکبر و اصغر گردد
پیروی هر که کند ، مُرتد و کافر گردد
دشمنی هر که کند ، مست ز کوثر گردد
بخیه با سوزن عدل ، خود داور گردد

روز صد بار، پراز او پرو و دالر گردد
نزد هر شیخ، کنیز و گهی نوکر گردد
جفتِ غلمان درشت هیکل و پیکر گردد
درسی داده، که تروریزم، توانگر گردد
خواستگاری وی از، طالبِ اهرم گردد
تامبادا ز گیم، صحنهٔ محشر گردد

کاسه و دیگِ گدایی، وی و کوزه او
بهر دینار و، زرو، زیور و شهرت طلبی
تا که بالواسطه در روضهٔ رضوان خدا
باند (پرویز مشرف)، به قوچ و، یارانش
خواهش جدی دارد، ز بز (گلبدین)
«نعمتا» بس که قلم، باز به جولان آمد

اهم (شغال)